

بسم الله الرحمن الرحيم

## دروس في علم الاصول

لشهاد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 56

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدی

آموزشیار: آقای شم آبادی

## مقدمه:

موضوع حجیت ظهور در ضمن مباحث مختلفی مورد بررسی قرار گرفت.

در درس قبل اجمالاً مطرح شد که برخی بین ظواهری که برای مقصود بالافهام شکل می گیرد با ظواهری که برای غیر مقصودین بالافهام شکل می گیرد تفصیل داده اند و فقط دسته اول را موضوع حجیت ظهور دانسته اند.

در این درس علت و ریشه این تفصیل به دقت بیان خواهد شد و روشن خواهد شد که قائلین به این تفصیل در واقع معتقدند که احتمال وجود قرینه متصله را درباره غیر مقصود بالافهام نمی توان نفی کرد؛ لذا ظهور تصدیقی برای او شکل نمی گیرد.

اما در پایان شهید صدر(ره) اشکال این تفصیل را از قول بسیاری از محققین بیان کرده و این تفصیل را رد خواهد نمود.

## متن درس

فالمقصود بالإفهام يعتبر الظهور حجة بالنسبة إليه لأن احتمال القرينة المتصلة على الخلاف بالنسبة إليه لا موجب له - مع عدم إحساسه بها - إلا احتمال غفلته عنها فينفي ذلك بأصالة عدم الغفلة باعتبارها أصلاً عقلائياً، واما غيره فاحتماله للقرينة لا ينحصر منشؤه بذلك بل له منشأ آخر و هو احتمال اعتماد المتكلم على قرينة، ثم التواطؤ عليها بصورة خاصة بينه و بين المقصود بالإفهام خاصة، و هذا الاحتمال لا تجدى أصالة عدم الغفلة لنفيه فلا يكون الظهور حجة في حقه.

و قد اعترض على ذلك جملة من المحققين بان أصالة عدم القرينة أصل عقلائي برأسه، يجرى لنفي احتمال القرينة في الحالة المذكورة، و ليس مردها إلى أصالة عدم الغفلة ليتعذر إجراؤها في حق غير المقصود بالإفهام الذي يحتمل تواطؤ المتكلم مع من يقصد افهامه على القرينة.

و التحقيق ان هذا المقدار من البيان لا يكفي لأن الأصل العقلائي لا بد ان يستند إلى حيشة كشف نوعية، لئلا يكون أصلاً تعبدياً على خلاف المرتكزات العقلانية، متوفة لنفي احتمال القرينة المتصلة الناشئ من احتمال غفلة السامع عنها.

بحث در تفصیلات بود که برخی در حجّت ظهور داده‌اند. مرحوم شهی صدر (ره) دو تفصیل را در این قسمت مطرح می‌کنند که در این درس اولین تفصیل بیان می‌شود.

### تفصیل اول: تفصیل بین مقصودین بالافهام و غیر مقصودین بالافهام:

قائلین به این تفصیل معتقدند ظهوراتی حجّت هستند که در ذهن مقصودین بالافهام شکل گرفته باشند. اگر مستمع خود را مقصود بالافهام دخی و دانست که متکلم در صدق تفهیم اوست می‌تواند از ظواهر کلام متکلم و آنچه که در ذهن او به عنوان معنای ظاهری متجای شده است مراد متکلم را دریابد. اما اگر مستمع خود را مقصود بالافهام نمی‌دخی مثلاً مخفیانه خود را به گونه‌ای قرار داده بود که صدای متکلم را بشنود (مثلاً استراق سمع می‌کرد) در این حالت او حق ندارد از ظواهر کلام متکلم بهره‌گیری و مراد او را بشناسد.

### بیان این تفصیل در مباحث فقهی:

اگر بخواهیم این بحث را به عالم فقه نزدیک تر کنیم بحث به این نحو می‌شود که اهل بیت در مقام بطن احادیث، قصد تفهیم مخاطبین خودشان (روایت حدیث) را داشتند و می‌خواستند برای روایت حدیث، احکام شرع را بطن کنند؛ در حالی که این احادیث در طی نسلها به دست ما رسیده است. پس ما مقصود به افهام از سوی اهل بیت نیستیم و کسری نیستیم که اهل بیت بخواهند به ما تفهیم کنند؛ بنابراین ظواهر روایات فقط برای مخاطبینشان که اهل بیت قصد تفهیم آنها را داشتند حجت است و آن ظواهری که برای ما - که از زمان صدور روایت فاصله داریم - حاصل می‌شوند نمی‌توانند حجّت باشند. در نتیجه ما نمی‌توانیم از ظاهر کلام بهره‌گیری و مراد امام را دریابیم.

## علت و ریشه این تفصیل:

علت این تفصیل این است که اگر مستمع ی احتمال دهد که مراد متکلم را آن گونه که هست درنکافته، و به تعبیری دیگر احتمال دهد قرینۀ متصله‌ای بوده باشد که با توجه به آن قرینۀ، مراد متکلم چنی دیگری می‌شده و آن قرینۀ باعث می‌شده او مراد متکلم را به گونه دیگری بفهمد، در اینجا دو فرض وجود دارد:

### فرض اول: مستمع مقصود بالافهام باشد: این فرض را در ضمن دو مرحله بررسی می‌کنیم:

مرحله اول: اگر مستمع مقصود بالافهام باشد و احتمال قرینۀ متصله را ببهد، این احتمالش از این حیث که احتمال غفلت خودش را می‌دهد. چیری این احقال برای او مطرح است که چه بسا من در هنگام استماع غافل بودم و هنگامی که متکلم مثلاً گفت: «رأیت اسدا» لفظ "ی‌می" هم اضافه کرد و من هنگام شریین "ی‌می" حواسم نبوده و غفلتی عارض شده لذا فقط "رأیت اسدا" را شرییم؛ این احتمال غفلت را شخص مقصود بالافهام می‌دهد. به این معنی که چون متکلم قصد داشته است مرادش را به این شخص تفهیم کند، قطعاً آنچه را که در مراد او دخیل بوده بطن کرده است، پس چه بسا "ی‌می" را گفته اما این شخص مستمع در هنگام بطن واژه "ی‌می" غافل شده و آن را نشنیده است.

مرحله دوم: اصل عدم غفلت (که بحث آن قبلاً گذشت) احتمال غفلت را از مستمع بر می‌دارد و به او می‌گویی به احتمال غفلت توجه نکن و احتمال را بر انتباه و هوشیاری بگذار و بگو که غافل نبوده‌ام.

### نتیجۀ این دو مرحله: حجت ظاهر کلام برای مقصود بالافهام:

پس در این فرض احتمال وجود قرینه متصله ای که مستمع و مخ اطب آن را درنیاخته باشد نفی می‌شود و لذا ظهور کلام برای او حجت خواهد بود.

### فرض دوم: مستمع مقصود بالافهام نباشد: این فرض را در ضمن دو مرحله بررسی می‌نماییم:

**مرحله اول:** اگر مستمع مقصود بالافهام نباشد؛ یعنی کسی باشد که متکلم قصد نکرده باشد چیزی را به او تفهیم کند، در این فرض اگر او احتمال می‌دهد قرینه متصله‌ای در کلام متکلم بوده که با توجه به آن قرینه مراد متکلم دگرگون می‌شده است این احتمال دو منشأ می‌تواند داشته باشد: احتمال غفلت و احتمال وجود قرینه خصوصی.

### منشأ نخست: احتمال غفلت

**منشأ نخست این است که** این مستمع احتمال غفلت خودش را بدهد، بگری احتمال دهد هنگامی که مثلاً استراق سمع می‌کرد و مخفیانه گوش می‌داد یک لحظه غافل شده باشد و واژه «ی‌می» را نشنیده باشد بنابراین «رأیت اسدا» نمی‌تواند برای او حجّت در رؤیت حیوان مفترس باشد؛ زیرا چه بسا مراد متکلم رؤیت مرد شجاع باشد.

در این صورت احتمال قرینه متصله برای این مستمع همانند این احتمال برای مستمع مقصود بالافهام خواهد بود.

### منشأ دوم: احتمال وجود قرینه خصوصی

در مورد غیر مقصود بالافهام احتمال دیگری نیز هست که آن احتمال در مقصود بالافهام وجود نداشت. زیرا کسی که مقصود بالافهام نیست احتمال می‌دهد باین متکلم و باین مخاطبی که مقصود بالافهام است یک قرینه خصوصی و (یک قرینه‌ای که بر دیگران پوشیده است) وجود داشته باشد که براساس آن قرینه، کلام متکلم نسبت به مقصود بالافهام به گونه دیگری معنا می‌یابد، بی‌به گونه دیگری توجیه پیدا می‌کند.

**مثال:** شخص مقصود بالافهام می‌داند که این متکلم زنی به دینار مردان شجاع می‌رود و علاقه بسیاری به دین رجال شجاع دارد ولی علاقه‌ای به باغ وحش و حیوانات مفترس ندارد. لذا این سابقه ذهنی را داشت که اگر او گفت «رأیت اسدا» هر چند که قرینه متصله‌ای به شکل لفظی مانند «ی‌می» نظری (ولی به حسب آن سابقه ذهنی و شناختی که مقصود بالافهام از متکلم دارد) متوجه می‌شود که مراد متکلم از «رأیت اسدا» حیوان مفترس نیست بلکه رجل شجاع است. به این شناخت، قرینه حائقی متصله گفته می‌شود که قرینه‌ای است از جنس حال نه از جنس قال. پس این جا باین متکلم و کسی که مقصود بالافهام است این قرینه خصوصی وجود دارد. لذا کسی که مقصود بالافهام نیست - مثلاً با استراق سمع سخنی

را می شنود۔ احتمال می دهد که چه بسا چنین قرینه ای بین متکلم و شخص مقصود بالافهام باشد که بر او مخفی مانده است.

**مرحله دوم:** پس در ناحیه غیر مقصود بالافهام از جهت عدم درک قرینه متصله دوا احتمال مطرح است:

۱- احتمال غفلت از قرینه متصله

۲- احتمال وجود قرینه خصوصی بین متکلم و مقصود بالافهام

### نفی احتمال غفلت با اصل و عدم نفی احتمال قرینه خصوصی

احتمال غفلت را می توان با اصل عقلایی عدم غفلت برداشت و مشکل را از این ناحیه حل کرد؛ اما احتمال وجود قرینه خصوصی (که بین متکلم و بین مقصود بالافهام وجود داشته است) با هیچ اصلی برداشتنمی شود. یعنی هیچ اصلی متکفل این نیست که هیچ احتمال و گمانی نسبت به وجود چنین قرینه متصله ای نیست و اگر هم هست به آن توجه نکن. قبلاً گفتیم که هرگاه احتمال وجود قرینه متصله مطرح باشد، طبیعتاً ظهور تصدیقی محقق نمی شود، و وجود خارجی نخواهد داشت تا بخواهد موضوع حجیت شود.

**Sco1: 12:38**

### نتیجه این دو مرحله: عدم حجیت ظاهر کلام برای غیر مقصود بالافهام

پس ظاهر کلام نسبت به شخص غی مقصود بالافهام حجت نیست و او بای در کشف مراد متکلم توقف کند و حق ندارد براساس معنایی که در ذهن او به عنوان معنای ظاهر شناخته شده است مراد متکلم را تفسیر نماید.

### نکاتی در مورد این تفصیل:

این تفصیل از سوی مرحوم می زای قمی (ره) - صاحب قوانین - مطرح شده است. اما بسطی از محققین از جمله مرحوم نائینی (ره) به ایشان اشکال گرفته اند و گفته اند این تفصیلی شما صحیح نیست.

## صغروی بودن این تفصیل

برای اینکه بحث روشن‌تر شود مطلبی را باید مورد توجه قرار داد . مرحوم میرزای قمی (ره) این تفصیلی را در حجت ظهور ارائه کرده‌اند، اما این تفصیلی، در واقع تفصیلی در حجت نیست. یعنی اگر دقت کنیم نمی‌خواهد بگوئی ظهورات تصدیقی دو گونه‌اند: ظهورات تصدیقی که حجت هستند (که عبارتند از ظهور برای مقصود بالافهام) و ظهورات تصدیقی که حجت نیستند (که عبارتند از ظهور برای غی مقصود بالافهام) بلکه در واقع می‌خواهد ظهور تصدیقی را نسبت به غی مقصود بالافهام بر دارد یعنی می‌خواهد بگوئی برای غی مقصود بالافهام اصلاً ظهور تصدیقی محقق نمی‌شود. چرا؟ چون غی مقصود بالافهام احتمال قرینه متصله را می‌دهد و این احتمال را با هیچ اصلی نمی‌توان برداشت و در جایی که احتمال قرینه متصله هست ظهور تصدیقی شکل نمی‌گیرد تا بخواهد حجت باشد لذا به تعبیر مرحوم شریح انصاری این نزاعی که این جا است نزاع صغروی است، نزاع در اصل شکل گیتی ظهور تصدیقی است نه در حجت ظهور تصدیقی؛ یعنی حاصل نزاع این نیست که ظهور تصدیقی دو قسم است - یک قسم حجت است و قسم دیگر حجت نیست - بلکه حاصلش آن است که ظهور تصدیقی فقط برای مقصود بالافهام ایجاد می‌شود.

Sco2:19:27

### اشکال تفصیل بین مقصودین بالافهام و غیر مقصودین بالافهام:

اشکالی که بعضی از محققین در اینجا مطرح کرده‌اند این است که اصل عدم قرینه متصله، احتمال هرگونه قرینه متصله‌ای را بر می‌دارد. حال می‌خواهد منشأ احتمال قرینه متصله، احتمال غفلت باشد علی‌احتمال وجود یک قرینه خصوصی، از این جهت فرقی نمی‌کند؛ یعنی احتمال هرگونه قرینه متصله‌ای با اصل عدم قرینه متصله که یک اصل عقلایی است برداشته می‌شود.

بنابراین عقلاً ظواهر کلام را برای غیر مقصود بالافهام نیز حجت می‌دانند و تفصیلی بین مقصودین بالافهام و غی مقصودین بالافهام قائل نیستند.

Sco3: 26:45

## چکیده :

- (۱) تفصیل بین مقصودین بالافهام و غیر آنها، از سوی مرحوم میرزای قمی (ره) بیان شده است.
- (۲) علت و ریشه تفصیل بین مقصودین و غیر مقصودین بالا فهام این است که مقصودین بالافهام، می توانند احتمال وجود قرینه متصله‌ای را که به آن دست نیافته‌اند نفی کنند ولی غیر مقصودین بالافهام نمی توانند.
- (۳) در صورتی که مستمع، مقصود بالافهام باشد، احتمال وجود قرینه متصله از باب احتمال غفلت است، که این احتمال با اصل عقلایی عدم غفلت نفی می شود. لذا ظهور تصدیقی برای اوشکل می گیرد.
- (۴) قائلین به تفصیل مذکور معتقدند که در مورد غیر مقصودین بالافهام، احتمال وجود قرینه متصله به دو دلیل می تواند باشد:

### الف) احتمال غفلت

- ب) احتمال وجود قرینه خصوصی بین متکلم و مقصود بالافهام.
- (۵) در مورد غیر مقصود بالافهام، احتمال غفلت با اصل عقلایی نفی می شود ولی احتمال وجود قرینه خصوصی با هیچ اصلی قابل نفی کردن نیست. لذا ظهور تصدیقی برای او محقق نمی شود.
- (۶) نکته مهمی که در مورد این تفصیل باید گفت این است که : در این تفصیل، نزاع صغروی است، به این معنی که نزاع در تحقق ظهور تصدیقی نسبت به غیر مقصودین بالافهام است نه در حجیت ظهور تصدیقی.
- (۷) اشکال این تفصیل: اصل عدم قرینه متصله، احتمال وجود هر نوع قریق متصله‌ای را که مستمع به آن دست نیافته باشد نفی می کند؛ چه منشأ این احتمال، احتمال غفلت مستمع باشد و چه منشأ آن احتمال وجود قرینه خصوصی بین متکلم و مقصود بالافهام باشد.

